



دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

## منع خشونت علیه زنان با رویکردی بر جامعه‌شناسی ساختارها، رفتارها و تعاملات بازیگران

امیررضا محمودی<sup>۱\*</sup>، سیده‌مهشید میری بالاجورشری<sup>۲</sup>

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

### چکیده

تاکنون تحقیقی جامع در رابطه با جامعه‌شناسی منع خشونت علیه زنان صورت نگرفته است، به طوری که تحولات موجود در این عرصه از منظر جامعه‌شناسی به دور مانده است، اگرچه بازیگران اصلی (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) در عرصه مبارزه و جلوگیری از خشونت علیه زنان ثابت هستند، اما فرآیند منع خشونت علیه زنان شامل حجم بسیار وسیعی از بازیگران داخلی و بین‌المللی متعدد بزرگ و کوچکی است. خدمات‌دهندگان بی‌شماری در عرصه داخلی و بین‌المللی شامل بازیگران اعتبار بخش و منفعل که به توزیع و ترویج مشروعیت در حوزه منع، پیشگیری و کاهش خشونت علیه زنان می‌پردازند، وجود دارد. بازیگران تولیدکنندگان ارزش که در عرصه توسعه منع خشونت علیه زنان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند با اقدامات ارشادی خود مسیر توسعه و اجرای اقدامات پایدار را در جهت کاهش خشونت علیه زنان، هموار می‌سازند. همچنین بازیگران اجتماعی حوزه منع خشونت علیه زنان نیز هستند که با رفتارهای ثابت خود، تشریفات لازم در حوزه پیشگیری و منع خشونت علیه زنان را به کار می‌بندند، در نتیجه پرواضح است که بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان در هر کیفیت و هر کمیتی که هستند، دارای میزانی از تأثیر در این عرصه هستند و نایستی به دلیل داخلی بودن، غیردولتی بودن و ... بی‌اهمیت جلوه داده شوند. در این تحقیق با رویکردی نظری و با روش توصیفی به دنبال بررسی و طبقه‌بندی بازیگران اجتماعی حوزه منع خشونت علیه زنان هستیم.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷-۳۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: .....

تلفن: .....

ایمیل:

amirreza.mahmodi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

جامعه‌شناسی، منع خشونت علیه زنان، بازیگران اصلی، خدمات‌دهندگان، تولیدکنندگان ارزش.



## مقدمه

با پرونده‌های خشونت علیه زنان را ندارد. علاوه بر این موارد، بایستی در یک نوشتار نیز وارد بحث خشم فرایند منع خشونت علیه زنان گردیم که تاب نظرات مخالف نسبت به این دیدگاه را ندارند، اما باید توجه داشت که روانکاوی فرایند منع خشونت علیه زنان جالب‌ترین و بدیع‌ترین مطالعه‌ای می‌باشد که می‌تواند در این عرصه صورت بگیرد، چراکه استانداردسازی قوانین در عرصه جهانی، نحوه اعمال و اجرای آن را در آداب و رسوم مختلف در مناطق مختلف جهان با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

در رابطه با فرآیند منع خشونت علیه زنان تاکنون مطالعات جامعه‌شناختی اندک و پراکنده‌ای صورت گرفته است که اکثراً محصول فکر دانشمندان غربی می‌باشد ( Şaşman Kaylı, 2021: 68). این اندک مطالعات که توسط حقوقدانان و جرم‌شناسان صورت گرفته است، به نظر می‌رسد مردد هستند، بین داخل کردن این فرآیند در حوزه جامعه‌شناسی و فرار از چارچوب‌های خشک و بی‌روح مطالعات جرم‌شناسی. این مطالعات که به نوعی به توصیف و گسترش سازمان‌ها (سخت‌افزاری - نرم‌افزاری) فرایند منع خشونت علیه زنان می‌پردازند، شرایط ایجاد، تأسیس، نهادینه‌شدن و نحوه اعمال فرایند منع خشونت علیه زنان را در قالب کلیشه‌ای مورد بحث قرار داده‌اند و جنبه‌های حقوقی آن را مطالعه کرده‌اند. همچنین تعدادی مطالعات کمی بر مبنای تحلیل‌های آماری در این حوزه صورت گرفته است که به نوعی با فاصله بسیار از موضوع حاضر قرار دارند و به تحلیل کمی و آماری مصادیق خشونت علیه زنان در ادوار و مکان‌های مختلف پرداخته‌اند.

با توضیحات فوق می‌توان به این واقعیت پی برد که تاکنون، مطالعه مستقیمی در خصوص جامعه‌شناسی منع خشونت علیه زنان صورت نگرفته است، اما ما با الهام از موارد مشابه که در خصوص جامعه‌شناسی داوری بین‌المللی<sup>۵</sup> صورت گرفته، به این عرصه گام نهادیم، چراکه محققین در حوزه جامعه‌شناسی داوری نشان داده‌اند که به چه صورت برخی از بازیگران در عرصه‌های بین‌المللی و با بحث از قواعد فراملی، سرمایه و داده‌ای نوین برای خود ایجاد نموده‌اند و به نوعی توانستند این مقوله را تضمین کنند که به چه نحوی تعاملات بازیگران اجتماعی اصلی منجر به ساخت یک نظام فراملی و ملی عدالت

تحقیق حاضر از بعد نظری و با رویکرد جامعه‌شناسی به توصیف آیین‌ها و تشریفات اصلی در حوزه منع خشونت علیه زنان در عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد و به دنبال تبیین نحوه رفتار قابل پیش‌بینی بازیگران عرصه منع خشونت علیه زنان و همچنین سازوکارهای تعامل بازیگران مطروحه در حوزه منع و پیشگیری خشونت علیه زنان است. همچنین در این مقاله نحوه گذر حوزه اجتماعی فرآیند منع خشونت علیه زنان از حالت ثابت و یکنواخت و تبدیل شدن آن به مدل قطبی که در آن بازیگران متنوع و مختلف در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، ارزش‌ها و باورهای متنوعی را به دست آورده و متحول شده‌اند را مورد تبیین قرار می‌دهد. تفکیک نقش‌ها و همچنین ایجاد قواعد<sup>۱</sup>، چه به صورت نرم<sup>۲</sup> و چه به صورت سخت<sup>۳</sup> در عرصه منع خشونت علیه زنان با رویکرد جامعه‌شناسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

همواره بحث جامعه‌شناسی پس از مطالعات فلسفی موضوعات مطرح می‌شود. در رابطه با فلسفه تلاش‌های منع خشونت علیه زنان بایستی گفت که باتوجه به مطرح‌شدن الگوی موجود خشونت علیه زنان از سوی مردان، بنا به ذات و طبیعت مردانه، به طوری که ذاتاً مردان با حس برتری‌جویی اقدام به خشونت علیه زنان می‌نمایند، لذا تلاش‌های متعددی در طول ادوار در عرصه داخلی و بین‌المللی در خصوص منع خشونت علیه زنان در دستور کار قرار گرفته است، اما بایستی توجه داشت که مطالعات فلسفی در این مورد کاملاً مغفول مانده است و به نوعی کاری علمی در این رابطه صورت نگرفته است ( French et al, 2018: 61)، اما با طرح چنین مقدمه‌ای کوتاه باز می‌توان به شکلی متفاوت و با نگاهی جامعه‌شناسانه به موضوع منع خشونت علیه زنان وارد شد. اگر با نگاهی فلسفی و روان‌شناسانه به فرآیند منع خشونت علیه زنان وارد شویم بایستی در یک نوشتار وارد بحث خودشیفتگی<sup>۴</sup> فرایند منع خشونت علیه زنان شویم که به نوعی بیان‌کننده نظریه‌های مترقی حقوق بشری است که مخاطب آن عموم می‌باشد. همچنین در نوشتاری دیگر بایستی وارد بحث حسادت فرآیند منع خشونت علیه زنان شویم که به نوعی تاب و توان اطاله جریان رسیدگی‌های مرتبط

<sup>۱</sup>- Regularization

<sup>۲</sup>- Soft Rules

<sup>۳</sup>- Strict Rules

<sup>۴</sup>- Narcissism

<sup>۵</sup>- Sosyooji on International Arbitration

بازیگران اجتماعی این عرصه در درون این رشته خواهیم پرداخت.

همواره جامعه‌شناسان در تلاش‌اند که با شناسایی حوزه‌هایی<sup>۴</sup> که به نوعی حیات نهادی دارند، به دنبال شناخت این حوزه‌ها، ساختار آن‌ها، نحوه تشکیل آن‌ها، چگونگی رسمیت یافتن آن‌ها و صور تحول آن‌ها باشند (لوی برول، ۱۳۵۳: ۷۴-۷۲). بایستی به این نکته توجه اساسی شود که در این موضوع بحث حوزه دارای اهمیت فراوانی است، چراکه نکته مقابل حوزه، صنعت<sup>۵</sup> می‌باشد که متشکل از بازیگران هم سطح است و وسعت کمی دارد (Gaillard, 2015: 5)، اما حوزه دارای عرصه ای وسیع است که دارای بازیگران اصلی، فرعی، داخلی و فراملی می‌باشد که متشکل از تأمین‌کنندگان ارزشی کلیدی، مصرف‌کنندگان متنوع منابع و محصولات، نهادهای حراستی و نظارتی و سازمان‌هایی که به دنبال تولید ارزش‌ها و هنجاریت‌های متعدد می‌باشند (Di Maggio & Walter, 1983: 148).

تردیدی وجود ندارد که با توضیحات فوق حوزه منع خشونت علیه زنان دربرگیرنده مجموعه‌ای از بازیگران است که نقش‌ها و کارکردهای مختلفی را ایجاد کرده و ایفا می‌کنند. از قبیل تأمین‌کنندگان، مصرف‌کنندگان، نهادهای نظارتی و سازمان‌های کلیدی که مجموعه بازیگرانی هستند که در این عرصه فعالیت دارند. همه این بازیگران در کنار هم می‌توانند یک نظام دارای معنای مشترک را ایجاد کنند و چون با هم تعامل دارند، می‌توانند در درون حوزه منع خشونت علیه زنان یک حوزه اجتماعی ایجاد نمایند که ما در این مقاله به دنبال شناسایی و بررسی آن‌ها می‌باشیم.

#### ۱- حوزه منع خشونت علیه زنان به مثابه یک حوزه اجتماعی

##### ۱-۱- بازیگران اصلی

در این حوزه اولین گروه از بازیگران اصلی، شامل بازیگرانی است که بدون آن‌ها بحث از حوزه منع خشونت علیه زنان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی وجود نخواهد داشت، یعنی بدون حضور طرفین خشونت (زن - شوهر، مرد - زن) این حوزه معنای خاصی ندارد. به عبارت دیگر باوجود طرفین خشونت هست که حوزه منع خشونت علیه زنان نمود واقعی پیدا می‌کند، حتی در وجدان‌های اشخاص.

در حوزه داوری شده است (Gaillard, 2015: 1-2). در این راستا مفهوم سرمایه نمادین<sup>۱</sup> که توسط بوردیو<sup>۲</sup> ایجاد شده است (Bourdieu, 1984: 52-53). به‌عنوان یک ابزار تحلیلی بسیار قدرتمند در جهت درک این حقایق که روابط قدرت در هر حوزه‌ای نه تنها از بعد اقتصادی بایستی درک شود، بلکه بایستی از حیث نمادین نیز مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر بایستی مسائل از حیث افتخارات، پرستیژ و شناخت نیز مورد درک قرار گیرد تا بتواند خود را به‌عنوان یک تحلیل علمی نمایان کند. همچنین بایستی توجه شود که در رابطه با موضوع حاضر سرمایه‌های نمادین فزاینده‌ای وجود دارد و می‌تواند در تحلیل‌های ما به‌خوبی به‌کار گرفته شود.

علم جامعه‌شناسی همانند علم حقوق رشته یکپارچه و یکنواختی نیست. جامعه‌شناسی منجر به چالش‌ها و مباحث فراوانی در بین مکاتب فکری شده است، به‌طوری‌که از نظریه ساختارگرایانه دورکیم<sup>۳</sup> (Durkheim, 1982: 11) تا نظریه تفکیک طبقاتی مارکس (Marx, 1992: 27) و تا نظریه فردگرایی روش شناختی وبر (Weber, 1978: 17)، سرمایه‌ای از فرآیندها و ابزارهای تحلیلی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها می‌تواند در فهم مسائل و پدیده‌های پیچیده اجتماعی همچون منع خشونت علیه زنان فایده داشته باشد. برای حقوقدانان این امر بسیار دشوار است که از مباحث حقوقی منع خشونت علیه زنان فاصله گرفته، یک قدم به عقب برگردند و آن را از نگاه علم دیگری مورد بحث قرار دهند و به فرآیند منع خشونت علیه زنان به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بنگرند و آن را در قالب بازیگران اجتماعی و تعاملات آن‌ها را در رفتار اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار دهند، اما بایستی اذعان کرد که برای درک صحیح تحولات هر نهادی مطالعه جامعه‌شناسی امری الزامی و اجتناب‌ناپذیر است.

در رابطه با ورود به عرصه جامعه‌شناسی و قدم به عقب گذاشتن و تحلیل موارد، در گام نخست به توصیف این مورد خواهیم پرداخت که فرایند منع خشونت علیه زنان، چگونه و به چه نحو مبدل به یک رشته اجتماعی با بازیگران و آیین تشریفات خاص خود می‌تواند شود و سپس در گام بعدی به تحلیل تعامل

<sup>۱</sup>- Symbolic Capital

<sup>۲</sup>- Bourdieu

<sup>۳</sup>- Durkheim

<sup>۴</sup>- Fields

<sup>۵</sup>- Industry

حقوق بشری به‌ویژه در حوزه منع خشونت علیه زنان سوق پیدا کرده‌اند.

تا چند دهه اخیر بحث منع خشونت علیه زنان بسیار نادر مورد توجه قرار می‌گرفت و اکثراً در قالب‌های اخلاقی و ارشادی مطرح می‌شد و در چارچوب اقوال ادیان و مذاهب و توصیه‌های دینی قرار داشت و به‌هیچ‌وجه به شکل امروزی در بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مطرح نبود (شستاک، ۱۳۷۹: ۱۶۱)، اما امروزه حوزه منع خشونت علیه زنان و حمایت از این گروه از انسان‌ها در قبال انواع خشونت‌ها بحث جذاب همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شده است و به نوعی به سمت مسائل استانداردسازی و حرفه‌ای شدن سوق پیدا کرده و به‌عنوان یک گروه مستقل اجتماعی بدل شده است.

از آنجایی که ماهیت فعالیت‌های حوزه منع خشونت علیه زنان عدالت‌محور است، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در قبال خدماتی که در جهت تصویب و اجرای مقررات درخصوص منع خشونت علیه زنان ارائه می‌دهند، در راستای بسط عدالت قدم برمی‌دارند، لذا آن‌ها را نیز می‌توان در قالب ارائه‌دهندگان خدمات طبقه‌بندی کرد، البته بایستی توجه داشت که این‌ها خدمات‌دهندگان انحصاری و اختصاصی این حوزه نیستند و تعداد روزافزونی از خدمات‌دهندگان تخصصی حول بازیگران اصلی در حوزه منع خشونت علیه زنان وجود دارند.

#### ۱-۲- خدمات‌دهندگان

درخصوص شناسایی خدمات‌دهندگان در عرصه منع خشونت علیه زنان بایستی اذعان کرد که این خدمات‌دهندگان محدود به گروه‌های اجتماعی می‌باشند که فعالیت‌های خود را به شکل انحصاری (چه به‌صورت کامل، چه به‌صورت تقریبی) به حوزه منع خشونت علیه زنان اختصاص داده‌اند، البته این به‌معنای انکار حجم وسیعی از بازیگران موردی در این عرصه نیست که در تمامی ظرفیت‌های مختلف در حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان فعالیت دارند. آنچه که از حیث جامعه‌شناسی اهمیت دارد، این است که با ظهور گروه‌هایی از بازیگران تخصصی که فهم مشترکی از چیستی منع خشونت و چگونگی آن دارند و بیشترین زمان خود را صرف تعامل با یکدیگر می‌کنند، می‌باشد که به‌دنبال تعامل و هنجارسازی و قاعده‌سازی در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی هستند.

طرفین خشونت چه فاعل، چه مفعول خشونت جزئی از گروه‌های اجتماعی هستند که به نظر می‌آید از بین سایر بازیگران مفعول‌تر مانده‌اند، چراکه این‌ها به‌عنوان اولین حلقه در این حوزه همواره به‌صورت یک عامل فرضی مورد نگرش قرار گرفته‌اند و غیر از مواردی که به مطالعه مصادیق خشونت علیه زنان می‌پردازد، در سایر موارد به نوعی به‌صورت عامل یک عمل خلاف قانون یا اخلاق تلقی شده‌اند، اما در این مقاله این بازیگران ابتدایی به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان فرض شده است، چراکه بدون در نظر گرفتن اهمیت این بازیگران به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان تصور کرد که حوزه منع خشونت علیه زنان وجود دارد و حتی نمی‌توان تحولات این عرصه را بدون در نظر گرفتن نیازها و دغدغه‌های اولیه این گروه از بازیگران متصور شد، البته بایستی توجه کرد که همه بازیگران دیگر این عرصه در راستای حمایت از زنان و اینکه زنان بتوانند در احقاق حقوق خود به‌شکل راحت و با مکانیزم‌های مناسب حرکت کنند و اینکه قبل از وقوع واقعه راهکارهای پیشگیری از خشونت ترسیم می‌شود، به اصلی‌ترین بازیگران عرصه، یعنی فاعلین خشونت اهمیت زیادی نداده‌اند، با اینکه کل این حوزه، بدون در نظر گرفتن مردان و نقش آن‌ها قابلیت تصور ندارد، پس نتیجه می‌گیریم که منع خشونت علیه زنان برای طرفین خشونت شکل گرفته است و بیشتر از آنکه سایر بازیگران را تحت تأثیر قرار دهد، طرفین خشونت را تأثیر می‌گذارد.

در مقابل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان یک گروه اجتماعی، به نظر می‌رسد که بیشترین توجه را از منظر جامعه‌شناسی به خود منعطف کرده‌اند (Martens et al, 2020: 227-229)، چراکه امروزه توجه به مقوله‌های حقوق بشری یکی از مهم‌ترین مسائل در عرصه‌های داخلی و خارجی می‌باشد و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی درصدد هستند که با تلاش و فعالیت بسیار گوی سبقت را از سایرین برابند و خود را به‌عنوان حامی حقوق بشر در جامعه جهانی معرفی کنند. به همین جهت است که تحولات شگرفی در این گروه‌های اجتماعی (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) صورت گرفته و خودبه‌خود به سمت استانداردسازی<sup>۱</sup>، مدل‌سازی<sup>۲</sup>، الگوسازی و هنجاریت<sup>۳</sup> در عرصه

<sup>۱</sup>- Standardization

<sup>۲</sup>- Modeling

<sup>۳</sup>- Modeling and Normativeness

در عرصه منطقه‌ای اتحادیه اروپا، مؤسسه اروپایی تساوی جنسیتی، شورای وزیران اتحادیه اروپا، کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه، سازمان همکاری اسلامی ۱۹۶۹، منشور آفریقایی حقوق فردی و جمعی مصوب ۱۹۸۱ توسط سازمان وحدت آفریقایی است که به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت دارند و دارای استراتژی‌های متفاوتی در رابطه با پیشگیری از خشونت علیه زنان می‌باشند.<sup>۷</sup> همچنین بایستی توجه داشت که برخی از این بازیگران می‌توانند یا توانسته‌اند در هر دو عرصه، چه منطقه‌ای و چه بین‌المللی فعالیت چشم‌گیری نشان دهند که نمونه بارز آن اتحادیه اروپا است که با قوانین استاندارد و حساب‌شده خود مبنای تصویب و اصلاح قوانین بسیاری از کشورها شده است.<sup>۸</sup>

اگرچه دولت‌ها در این عرصه همانند سازمان‌های بین‌المللی فعالیت‌ها و کارکردهای مختلف و متنوعی دارند، اما آن‌ها نیز به‌عنوان خدمات‌دهندگان و همانند آن‌ها رفتار می‌نمایند. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها در رابطه با جذب یا حفظ سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حوزه زنان و منع خشونت علیه زنان با همدیگر رقابت می‌نمایند یا زمانی که قوانینی را با هدف اولیه اشاعه قواعد منع خشونت علیه زنان در سرزمین و قلمرو خود ایجاد می‌نمایند. دولت‌ها در رابطه با ارتقای وضعیت خود به‌عنوان پیشرو قوانین استاندارد منع خشونت علیه زنان به دنبال ارتقای منافع جامعه حقوقی خود و به‌صورت کلی‌تر وضعیت سیاسی و پرستیژ بین‌المللی خود هستند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵۱)، چراکه این قوانین ذاتاً به دولت‌ها پرستیژ و جلوه‌ای متفاوت و خاص حقوق بشری می‌دهد و دولت‌ها در جهت کسب آن معمولاً از طرق مختلف به‌دنبال سبقت از سایر کشورها می‌باشند.<sup>۹</sup>

تقریباً کلیه کشورهایی که در جامعه جهانی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند،<sup>۱</sup> به‌صورت نسبی و با تفاوت‌هایی به حوزه حقوق بشر، حقوق زنان و حوزه منع خشونت علیه زنان پرداخته‌اند و در قوانین خود استانداردهای لازم جهت اجرای عدالت در حوزه حقوق زنان و پیشگیری و منع خشونت علیه زنان صورت داده‌اند و هر روز نیز در این رابطه دست به ابتکار عمل می‌زنند. مهم‌ترین شاهد این امر تغییراتی است که دولت‌ها در راستای استانداردسازی قوانین حقوق بشری خود صورت می‌دهند و همچنین اعمال تحریم‌ها و قطعنامه‌های شدیدی است که در رابطه با نقض حقوق بشر از سمت مجامع بین‌المللی علیه دولت‌ها صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مرتبط با آن‌ها هم از حیث تعداد بازیگران و هم از حیث اندازه به‌صورت تصاعدی روزبه‌روز در حال افزایش هستند و هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود که هر یک استراتژیک متنوعی در این خصوص دارند که تا حد امکان خودشان را متفاوت جلوه می‌دهند. برخی از این بازیگران دامنه فعالیت خود را جهانی و برخی دیگر نیز دامنه فعالیت خود را منطقه‌ای نشان می‌دهند (شاو، ۱۳۹۶: ۶۵).

دبیرکل سازمان ملل متحد، دبیرخانه سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری، کمیته حقوق بشر، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیسیون مقام زن ۱۹۴۶، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، نهاد زنان ملل متحد<sup>۲</sup> شامل دفتر نماینده ویژه دبیر کل در امور جنسیتی<sup>۳</sup>، بخش پیشرفت زنان<sup>۴</sup>، صندوق سازمان ملل متحد برای توسعه زنان<sup>۵</sup>، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی بین‌المللی برای پیشبرد زنان<sup>۶</sup> بازیگرانی هستند که در حوزه منع خشونت علیه زنان در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند.

<sup>۷</sup> در این سازمان‌های منطقه‌ای معمولاً نگرش و تفکرات ایدئولوژیک حاکم است.  
<sup>۸</sup> یکی از نمونه‌های بارز تأثیر اتحادیه اروپا در تغییر یا اصلاح قوانین کشورها در گزارش توسعه ۲۰۱۰ کشور ترکیه برای اتحادیه اروپا در جهت تطبیق قوانین و مقررات داخلی قابل مشاهده است، به‌طوری‌که در این گزارش اصلاح پاره‌ای از مقررات مرتبط با منع خشونت علیه زنان باتوجه به استانداردهای اتحادیه اروپا به وضوح بیان شده است (Efe, 2012: 184).

<sup>۹</sup> در سیستم حقوقی ایران بازیگران حوزه زنان که به نوعی در حوزه منع خشونت خشونت علیه زنان نقش‌آفرینی می‌کنند نیز در قالب خدمات‌دهندگان، تولیدکنندگان ارزش و بازیگران اصلی نقش‌آفرینی می‌کنند. در سیستم حقوقی ایران فعالیت این بازیگران سابقه بسی طولانی دارد که حتی از زمان سلسله قاجار

<sup>۱</sup> بر طبق اطلاعات و آمار نهایی سازمان ملل متحد ۱۹۵ کشور در جهان وجود دارد که ۱۹۳ مورد آن عضو سازمان ملل متحد هستند.

<sup>۲</sup> UN Women  
<sup>۳</sup> OSAGI  
<sup>۴</sup> DAW  
<sup>۵</sup> UNIFEM  
<sup>۶</sup> INSTRAW

حتی تأسیس چنین نهادهایی به‌عنوان بازیگر و همچنین فعالیت آن‌ها نیازمند بودجه‌های هنگفتی است که نیازمند بازیگرانی به‌عنوان تأمین‌کنندگان ثالث می‌باشند. در مورد منع خشونت علیه زنان نیز تأمین‌کنندگان مالی ثالث نقش اساسی بازی می‌کنند و می‌توانند این عرصه را مورد تأثیر قرار دهند (Jonathan, 2009: 155; Pinsolle, 2011: 385).

راهنماهای حرفه‌ای، انتشارات تخصصی و کمکی که قواعد حوزه منع خشونت علیه زنان را درجه‌بندی می‌کنند و به آن‌ها قدرت اجرایی می‌دهند نیز می‌توانند در قالب بازیگران اصلی حوزه منع خشونت علیه زنان تبدیل گردند و می‌توانند تحت عنوان تاجرین اعتبار محسوب شوند<sup>۱</sup> (Deazalay & Garth, 1995: 27-29).

### ۱-۳- تولیدکنندگان ارزش

از دیدگاه جامعه‌شناسی گروه سوم در حوزه منع خشونت علیه زنان با عنوان بازیگران با صفت تولیدکنندگان ارزش مطرح می‌شوند. آرزوی برخی از کارگزاران اجتماعی، ارائه ارشاد در مورد نحوه توسعه حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان و شیوه‌های رفتار بازیگران اجتماعی در این عرصه است. جدای از توانایی‌های خاص آن‌ها در تولید قواعد حقوقی در طول زمان که قابلیت اعمال توسط دادگاه‌های داخلی را داشته باشد، این بازیگران با درجات مشروعیت مختلف به این صورت شناخته شده‌اند که توانایی اجتماعی برای ارائه راهنمایی‌های متفاوت را دارا هستند.

دولت‌ها هم از منظر مشروعیت<sup>۲</sup> از هم از منظر توانایی<sup>۳</sup> در راستای تأثیرگذاری و توسعه قواعد منع خشونت علیه زنان هستند. دولت‌ها این اعمال را در محدوده قلمرو خود به شکل مستقیم و با تنظیم مقررات قانونی در رابطه با منع خشونت علیه زنان و قلمرو حقوق زنان و شناسایی آرایه‌ای که شرایط خاصی را دارا هستند، صورت می‌دهند<sup>۴</sup> (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

سایر خدمات‌دهندگان تخصصی در رابطه با حوزه منع خشونت علیه زنان اکثراً دبیرخانه‌ها و کمیسیون‌های هریک از این نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای هستند. همچنین تعدادی از این خدمات‌دهندگان تخصصی در بدنه دولت‌ها وجود دارند و در قالب کمیسیون‌های مجالس قانونگذاری، مؤسسات تحقیقاتی تخصصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در داخل کشورها می‌باشند. درست است که این خدمات‌دهندگان تخصصی در قالب بخش حرفه‌ای قرار نمی‌گیرند، اما می‌توانند در فرآیند منع خشونت علیه زنان مؤثر باشند و تأثیرات شگرفی در توسعه و تحول این حوزه داشته باشند. همچنین بایستی توجه داشت که هر امری در دنیای امروزی نیازمند بودجه و هزینه می‌باشد، به‌طوری‌که

فعال بوده‌اند. برخی از این بازیگران دولتی هستند و برخی دولتی - غیردولتی و برخی نیز مردم‌نهاد (صرفاً غیردولتی) هستند. در ایران بازیگران اصلی در داخل مرزهای کشور در حوزه منع خشونت علیه زنان (زن - شوهر، مرد - زن) می‌باشد که بدون آن‌ها موضوعیت بحث منع خشونت علیه زنان معنی ندارد. خود دولت (نظام حکومتی) نیز به‌عنوان بازیگر اصلی تلقی می‌شود که هر سه قوه در آن یعنی مقننه، مجریه و قوه قضاییه نقش اصلی را در عرصه بالادستی منع خشونت علیه زنان ایفا می‌کنند. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت تعاون و رفاه اجتماعی در قالب دفتر امور آسیب‌های اجتماعی، بهزیستی در قالب مرکز فوریت‌های اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، دفتر امور بانوان وزارت کشور، دفتر زنان و خانواده و ستاد ملی زن و خانواده در قالب دولتی به‌عنوان بازیگر در ایفای نقش در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت می‌نمایند. پلیس و نهاد پیشگیری از جرایم نیز به‌عنوان بازوی اجرایی در قالب دولتی و به‌صورت عملی با موضوع منع خشونت علیه زنان فعالیت اساسی دارد. در داخل مرزهای کشور بازیگرانی نیز با ویژگی غیردولتی - دولتی در عرصه منع خشونت علیه زنان و در قالب تولیدکنندگان ارزش فعالیت می‌نمایند که نمونه‌های بارز آن نیروی مقاومت بسیج خواهران، بخش خواهران جهاد سازندگی و بخش خواهران کمیته امداد می‌باشد. سازمان‌های غیردولتی متعددی در داخل کشور وجود دارند که در حوزه زنان و منع خشونت علیه زنان فعالیت قابل توجهی دارند که می‌توانند در قالب تولیدکنندگان ارزش و خدمات‌دهندگان فعالیت نمایند. نمونه‌هایی از این سازمان‌های غیردولتی که در قالب سیاسی اجتماعی فعالیت دارند، جامعه زینب و جامعه زنان جمهوری اسلامی است. همچنین نمونه‌هایی از بازیگران غیردولتی که در قالب فرهنگی فعالیت دارند، باشگاه دختران جوان و مؤسسه الزهرا می‌باشد که فعالیت‌های تأثیرگذاری در حوزه منع خشونت علیه زنان در قالب فعالیت‌های فرهنگی دارند. همچنین در شاخه‌های تخصصی و صنفی نیز بازیگران در حوزه زنان و منع خشونت علیه زنان وجود دارد که نمونه‌های بارز آن کانون خواهران کارگر و تعاون زنان روستایی می‌باشد که در قالب‌های منع خشونت علیه زنان در حوزه کار فعالیت مؤثر دارند. در حوزه آموزشی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان و مکتب نرجس و ... فعالیت دارند که نقش مؤثری در قالب آموزشی در بهبود حقوق زنان و خشونت علیه آن‌ها دارند. در حوزه‌های انتشاراتی نیز بازیگران داخل کشور فعال بوده‌اند. هفته‌نامه زن روز، ماهنامه نداء، فصلنامه فرزانه، ماهنامه پیام زن و ... با تهیه و تدوین و توزیع مباحثی نقش بسیار مؤثری در حوزه منع خشونت علیه زنان داشته و دارند و به‌عنوان بازیگران خدمات‌دهنده و تولیدکننده ارزش در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت دارند.

۱- به‌همان ترتیبی که جامعه‌شناسان گاهی اوقات از حقوقدانان به‌عنوان تاجرین قانون یاد می‌کنند، می‌توان از این گروه‌های اجتماعی جدید به‌عنوان تاجرین اعتبار یاد کرد.

۲- Legitimacy

۳- Ability

۴- بایستی توجه داشت که اجرای مقررات خارجی (کنوانسیون‌ها، اسناد بین‌المللی و ...) مستلزم تصویب و تطبیق آن با نظم عمومی جامعه‌ای است که قواعد مذکور در آن کشور اجرا خواهد شد.

زمانی شنیده می‌شود که دولت‌های دیگر با آن‌ها هم‌صدا شده و یا با اجماع در درون سازمان رویه‌رو گردند، چراکه سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌ها برای دولت‌ها تأسیس می‌شوند و دولت‌ها در کنار سایر دولت‌های دیگر می‌توانند در سازمان‌های بین‌المللی موجودیت خود را نشان دهند (Modi et al, 2014: 255).

سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، مجامع اصلی را شکل می‌دهند که ارزش‌های حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان در آنجا اعلام می‌شود، بدون آنکه در این مجال بر تعامل بازیگران اجتماعی در فرایند قانونگذاری در سازمان‌های بین‌المللی تمرکز نماییم، لازم به توضیح است که سازمان‌های بین‌المللی نیز در اکثر مواقع بدواً تولیدکننده ارزش هستند، نه صرفاً تولیدکنندگان قواعد حقوقی. حال به جهت آن که حاصل فعالیت‌های آن‌ها بتواند جامعه حقوقی به خود بگیرد و اقتدار حقوق موضوعه را به‌دست بیاورد، لازم است که به‌عنوان معاهده توسط دولت‌ها تصویب شود و یا از بعد حقوق داخلی به نحوی وارد قوانین داخلی کشورها شود (فلسفی، ۱۳۹۵: ۲۷۷).

در قیاس با کشورها که به‌عنوان بازیگران انفرادی نقش ایفا می‌کنند، سازمان‌های بین‌المللی در راستای ایجاد وفاق و اجماع در میان جمع زیادی از بازیگران فعالیت دارند، به‌طوری‌که امروزه می‌توان آن‌ها را به‌عنوان تولیدکنندگان جمعی ارزش‌ها و یا تولیدکنندگان ارزش‌های جمعی نامید. به‌عنوان مثال یکی از نتایج رشد فزاینده حقوق زنان و حمایت از آن‌ها، نفوذ سازمان‌های سیاسی به عرصه حقوق بشر، حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان است. این سازمان‌ها از طریق قدرت مالی و سیاسی و نقش تأثیرگذاری که در عرصه جهانی دارند، از طریق اخذ گزارش‌های متعدد از تک‌تک کشورهای جهان با ایجاد کمپین‌های متعدد تهاجمی، فعالیت‌های مطبوعاتی گزینشی و ... ارزش‌هایی مانند دفاع از حقوق بشر، حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان را ترغیب می‌کنند (Gaillard, 2015: 13).

برخی دیگر از سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان بازیگرانی هستند که در پی مشروعیت‌دادن به قواعد حاکم بر حوزه منع خشونت علیه زنان می‌باشند و بدون دیدگاه و نگرش سیاسی و مالی، صرفاً در جهت توسعه و بسط این حوزه در قالب‌های مشروع و خاص فعالیت می‌کنند. هدف این‌ها توسعه این حوزه با زور و

در رابطه با تنظیم مقررات قانونی برای منع خشونت علیه زنان و شناسایی مقررات بین‌المللی مصوب توسط برخی از بازیگران بین‌المللی، از جمله سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها نیز در مواقعی به تولید قواعدی می‌پردازند که در پهنه سرزمینی مورد حاکمیت آن‌ها اجرایی می‌باشد. به‌بیانی‌دیگر دولت‌ها هم به‌عنوان بازیگران اجتماعی، ارزش‌هایی را خلق می‌کنند که دارای سرشت بسیار گسترده‌تری می‌باشد، یعنی این وضعیت زمانی اتفاق پیدا می‌کند که یک دولتی تصمیم داشته باشد که قانونی را تصویب کرده و به موقع اجرا بگذارد که حاوی ویژگی‌هایی می‌باشد که می‌تواند به‌عنوان یک الگو برای سایر بازیگران حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان عمل کند. به‌عنوان نمونه دولت اسپانیا که چند سالی است که بحث «تحمل صفر در برابر خشونت خانگی»<sup>۱</sup> را ایجاد و اعمال می‌کند و در این رابطه اولویت‌هایی را مورد شناسایی قرار داده است و بدین‌منظور خدمات مراقبتی فوق‌العاده هوشمندی را مدنظر قرار داده است (Rodríguez Franco, 2012: 236). به‌طوری‌که این کشور در رابطه با کمک به منع خشونت علیه زنان مراکز اضطراری را بنیان نهاده است و یک سرویس جدید از مسیر پیام‌رسان اختصاصی و همگانی را مورد دسترس قرار داده است و در این راستا تبلیغات فراوانی را صورت داده و کمپین‌های متعددی را اجرایی کرده است و همه این فعالیت‌ها در قالب قوانین مدون و اجرایی در کل کشور اسپانیا اعمال می‌شود. این قوانین به نوعی دارای خصوصیت الگویی ویژه‌ای برای سایر کشورها شده است و بسیاری از کشورهای جهان به‌خصوص در حوزه اروپا از این قوانین و این برنامه‌ها الگوبرداری مستقیم کرده‌اند و به نوعی با آوردن آن‌ها در قالب سیستم حقوقی خودشان آن‌ها را مورد شناسایی قرار داده‌اند و به نوعی یک معیار بین‌المللی ایجاد نموده‌اند.<sup>۲</sup>

در کنار چنین فعالیت‌های مستقیمی که دولت‌ها در رابطه با تولید ارزش به‌عنوان بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان دارند، مواقعی نیز دولت‌ها در کارهای سازمان‌های بین‌المللی در حوزه منع خشونت علیه زنان مشارکت می‌نمایند و بدواً به‌عنوان تولیدکنندگان ارزش عمل می‌کنند. مع‌الذالک صدای آن‌ها

<sup>۱</sup> - Zero Tolerance of Violence against Women

<sup>۲</sup> - کشورهای نظیر فرانسه، ایتالیا، روسیه و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که با مبنای قرارداد قانون تحمل صفر در برابر خشونت خانگی در اسپانیا قوانینی را مشابه آن تصویب و اجرا می‌کنند.

تحریم و اجبار و اکراه نیست و صرفاً هدف ارشادی دارند. نمونه بارز این بازیگران نهاد زنان ملل متحد<sup>۱</sup> می‌باشد.

در کنار این بازیگران که با عناوین سازمان‌های دولتی و غیردولتی خود را معرفی می‌کنند، بازیگرانی در این عرصه وجود دارند که به‌عنوان باشگاه شناخته می‌شوند و تمرکز اصلی آن‌ها بر گردآوری بازیگران اجتماعی صاحب خصوصیات و منافع مشترک هستند. نمونه بارز چنین بازیگرانی، بخش پیشرفت زنان<sup>۲</sup> که در بدنه نهاد زنان ملل متحد می‌باشد، است که با هدف ارتقای ارزش‌های خود در راستای حقوق زنان و منع خشونت نسبت به زنان فعالیت دارد (Bunch, 2007: 8).

در عرصه منع خشونت علیه زنان بازیگرانی با عنوان سازمان‌های حرفه‌ای وجود دارد که با خلق قواعد یا خطوط راهنما در برخی زمینه‌ها فعالیت مؤثر و نقش مهمی در این حوزه ایفا می‌کنند. نمونه بارز چنین بازیگری «مؤسسه آموزشی تحقیقاتی بین‌المللی برای پیشبرد زنان»<sup>۳</sup> است. این بازیگران نیز مشخصاً تولیدکننده ارزش هستند، به‌خاطر آنکه ارزش‌هایی را که تولید می‌نمایند، بینش و الگویی تخصصی به‌دست می‌دهد که به‌موجب آن‌ها سایر بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان، چگونگی رفتار خود را تعیین می‌کنند (Henderson & Sabharwal, 2020: 142-144). بایستی اذعان داشت که میزان تأثیر ارزش‌های تولیدی این بازیگران ارتباط مستقیم با ارزش اقناعی آن‌ها دارد و به بیانی دیگر از اقتدار سازمانی<sup>۴</sup> آن‌ها نشأت می‌گیرد.

نهادهای دانشگاهی متخصص در حوزه حقوق زنان، مانند پژوهشکده خانواده در دانشگاه شهید بهشتی ایران که با تأسیس یک رشته در دوره دکتری تخصصی با عنوان

«مطالعات زنان» گامی مؤثر در حوزه حقوق زن و منع خشونت علیه زنان صورت داده است و به‌عنوان بازیگری که تولید ارزش می‌کند، فعالیت می‌نماید، چراکه نحوه اعمال منع خشونت علیه زنان و حتی توسعه حقوق زنان را با روش تولید مقالات، کنفرانس‌ها و آموزه‌های دانشگاهی فراهم می‌آورد.<sup>۵</sup>

گروه‌های مباحثه که مربوط به حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان می‌باشد نیز به شکل قوی در شکل‌گیری ارزش‌های مبانی حقوق زنان و ترویج منع خشونت علیه زنان مؤثر می‌باشند. اظهار نظر راجع به وقایع منع خشونت علیه زنان (در قالب اظهارنظر در مورد آراء، قوانین و تصمیمات دادگاه‌ها) در زمانی مناسب، سرمایه نمادین مبتنی بر سرعت و تکرار، بسط و توسعه قواعد در حوزه مزبور ایجاد کرده است. این گروه‌ها عمدتاً به شکل داخلی و در بطن پژوهشکده‌ها و دانشگاه‌ها ایجاد می‌شوند و در برخی از موارد نیز با کمک صدا و سیما فعالیت می‌نمایند.<sup>۶</sup>

رسانه‌ها نیز با آنکه سالیان سال تحت نظارت حاکمیت‌ها فعالیت داشته‌اند، امروزه با تأسیس رسانه‌های مستقل بیشتر درگیر مباحثات راجع به حقوق زنان و مشروعیت منع خشونت علیه زنان شده‌اند، حتی در عرصه داخلی نیز رسانه‌ها با توجه به اینکه ورود به مباحث حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان جذابیت فراوانی در جذب مخاطب دارد، در قالب‌های مختلف به فعالیت در این عرصه می‌پردازند و به‌عنوان بازیگران فعال در این حوزه نقش‌آفرینی می‌کنند و به نوعی به تولید ارزش مبادرت می‌نمایند (اعزازی، ۱۳۸۳: ۹۸). امروزه قدرت رسانه‌ها تا جایی پیش رفته است که هیچ قاعده، قانون، مصوبه، دستور و یا راهکاری بدون وجود رسانه‌ها عقیم و ثابت و بدون تأثیر باقی می‌ماند (متانی و حسن‌پور، ۱۳۹۳: ۶۰). نقش فعال و برجسته رسانه‌ها به‌عنوان بازیگران اجتماعی در حوزه منع خشونت علیه زنان آنقدر اهمیت دارد که سایر بازیگران همواره خود را وابسته

<sup>۵</sup> همچنین گروه مطالعات بنیادی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی در ایران نیز در زمره نهادهای تخصصی دانشگاهی به‌عنوان بازیگر در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت دارد و با طرح اولویت‌هایی در زمینه خانواده و حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان نقش‌آفرینی می‌کند.

<sup>۶</sup> در ایران سلسله مباحثی که پیرامون حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان در کمسیون حقوق بشر اسلامی انجام می‌پذیرد، نمونه‌ای بارز از این بازیگران می‌باشد که عمدتاً دارای تأثیرات عمیقی در رابطه با حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه آن‌ها می‌باشد.

<sup>۱</sup> - مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جولای سال ۲۰۱۰ نهاد جدیدی را در جهت رسیدگی به چالش‌های پیش روی سازمان ملل و سرعت‌بخشیدن به پیشرفت زنان و دختران و رفع نیازهای آن‌ها در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی با عنوان نهاد سازمان ملل برای توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی با اکثریت آرا تصویب کرد. خشونت نسبت به زنان، صلح و امنیت، رهبری و مشارکت زنان، توانمندسازی اقتصادی، طرح‌ها و بودجه‌های ملی مربوط به زنان و اهداف توسعه هزاره، از جمله موضوعات بسیار مهمی است که مورد توجه و تمرکز نهاد زنان ملل متحد قرار گرفته است (صبوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۹-۱۷۸).

<sup>۲</sup> - DAW

<sup>۳</sup> - INSTRAW

<sup>۴</sup> - اقتدار سازمانی درحقیقت توانایی فرد (یا افراد) در نفوذ بر دیگران برای انجام کاری می‌باشد.



صرفاً بازیگران انگشت‌شماری هستند که توانایی و همچنین مشروعیت لازم جهت گردهم‌آوری تعداد کثیری از بازیگران دارای دیدگاه‌های متفاوت و متعارض را دارند تا به موجب این گردهمایی بتوانند تا حد امکان به اجماع دست پیدا کنند. در این رابطه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به ذهن متبادر می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

تحلیل‌های نهادی همواره نشانگر این هستند که هر نظام اجتماعی حوزه‌ای از تنش‌هاست که در میان تعارضات و مشارکت‌ها دوران دارد. برخی از نهادها (بازیگران اجتماعی) دارای این توانایی هستند که حتی چالش‌های بسیار شدید را نیز در خود جذب می‌نمایند. همچنین همکاری در درون یک حوزه را توسعه می‌دهند و دوام آن را تضمین می‌کنند، به طوری که مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق بازیگران حوزه اجتماعی مربوطه می‌باشند. مطالعه جامعه‌شناسی به ما نشان داد که حوزه‌ای مثل منع خشونت علیه زنان می‌تواند در قالب یک حوزه اجتماعی وسیع مورد شناسایی و کنکاش قرار بگیرد، به طوری که با نگرش جامعه‌شناسانه به بازیگران سیاسی، دولتی، غیردولتی، دانشگاهی و ... در این عرصه به کم و کیف تأثیرات آن‌ها بر حوزه منع خشونت علیه زنان پی می‌بریم و کاملاً آگاه از این مسأله می‌شویم که صرف دولتی‌بودن یا گسترده و سازمانی‌بودن بازیگری دلیل و نفوذ و گسترش و مشروعیت هنجارها و قواعدی که ایجاد می‌کند، نخواهد بود، چراکه در مطالعات خود دریافتیم که اکثر این بازیگران بدون وجود بازیگران رسانه‌ای، بازیگر منفعلی بیش نیستند و حتی درک کردیم که بازیگران دانشگاهی و تخصصی به چه میزان می‌توانند در بسط و توسعه و گسترش این نهاد اجتماعی دخیل باشند و تأثیرات مثبتی بگذارند.

بررسی تعاملات بازیگران عرصه منع خشونت علیه زنان نشان داد که این تعاملات می‌توانند در قالب تعارض، رقابت یا همسانی و هماهنگی جلوه کنند. هر یک از این جلوه‌ها به نوعی دارای آثاری شگرف می‌باشد، چراکه در تعارضات است که کاستی‌ها و نواقص هنجار یا قاعده یا قانونی معین می‌گردد یا به واسطه رقابت است که حوزه‌ای، قانونی، هنجاری یا رویه‌ای توسعه و گسترش پیدا می‌کند. همچنین با تعاملات همسان و هماهنگ امکان مشارکت در بهبود ارائه خدمات امکان‌پذیر می‌شود.

به این نهادهای اجتماعی می‌دانند، چراکه جهت‌دهی به ارزش‌های تولیدی خودشان در رساندن آن‌ها به سمع و نظر مخاطبین بدون در نظر گرفتن رسانه‌ها امری محال تلقی می‌گردد.

#### ۱-۴- تعامل بازیگران

تعامل میان بازیگران هر حوزه اجتماعی امری بدیهی است. این تعاملات می‌توانند در قالب آیین‌ها و تشریفات قرار گیرند و یا در قالب رقابت خود را نشان دهند. رقابتی که در تحلیل‌های جامعه‌شناختی با عنوان رقابت اعتبار شناخته می‌شود (Roohani, 2014: 28). به این رقابت می‌توان از ابعاد و جهات مختلف نگریست، چراکه در این حوزه رقابت در قالب کسب مشروعیت و اعتبار جلوه می‌کند. چنین تعاملی برپایه رقابت می‌تواند در توزیع پرستیژ و مشروعیت در حوزه نقش‌آفرینی در عرصه منع خشونت علیه زنان بین بازیگران اهمیت ویژه‌ای داشته باشد و به تبع اولی نقش ارزشمندی در ایجاد و حفظ ساختار اجتماعی ایفا نماید و با این روش پیوستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. بنا به تعبیر نئومارکسیست آیین و تشریفات این رقابت طبقه‌بندی اجتماعی را طبیعی ساخته و توجیه می‌نماید (صنعتی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). همچنین تعامل مبتنی بر رقابت در ظهور بازیگران جدید و قوی تأثیر فراوانی دارد، اما مهم‌ترین خدمتی که به حوزه منع خشونت علیه زنان اعطا کرده، مشروع جلوه‌دادن حوزه منع خشونت علیه زنان و استانداردسازی رفتار در این زمینه است.

تعامل میان بازیگران اجتماعی همچنین موجب تشکیل قواعد حقوقی می‌شود، با این توصیف که قواعد حقوقی در نقطه مقابل رویه‌ها و تشریفات قرار می‌گیرد که صرفاً از جنبه اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۶۹). در کل در یک حوزه منعطف، ویژگی اصلی برای بازیگران اجتماعی در قالب تعامل و تعارض قرار می‌گیرد. در مواقعی ممکن است بازیگرانی که دارای ارزش‌های اجتماعی متفاوتی هستند، به نزاع با یکدیگر روی آورند. به‌عنوان نمونه تفاوتی که در مفهوم حقوق بشر بین بازیگران وابسته به حقوق اسلام و غرب وجود دارد، از این دست تعارضات است. صرف نظر از چنین تعارضاتی بایستی اذعان داشت که روابط متقابل دارای گونه‌های پیچیده، گاهاً یکپارچه و در برخی موارد همانندی است. بایستی به این موضوع مهم اشاره شود که در حوزه منع خشونت علیه زنان

- متانی، مهرداد و حسن‌پور، مهشید (۱۳۹۳). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در ارتقای سطح پاسخگویی سازمان‌های دولتی». فصلنامه مدیریت، ۱۱(۳۴): ۵۹-۷۲.

- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. تهران: نشر میزان.

#### ب: منابع انگلیسی

- Bourdieu, P (1984). *Distinction, a Social Critique of the Judgment of Taste*. Cambridge: Harvard University Press.

- Bunch, C (2007). *Women and Gender: The Evolution of Women Specific Institutions and Gender Integration at the United Nations*. London: Women and Gender Chapter of the Oxford Handbook on the United Nations.

- Deazalay, Y & Garth, B (1995). "Merchants of Law as Moral Enterpereneurs". *Law & Society Review*, 29(1): 27-64.

- Di Maggio, P & Powell, W (1983). "The Iron Cage Revisited: Institutional Isomorphism and Collective Rationality in Organizational Fields". *American Sociological Review*, 48(2): 147-160.

- Durkheim, E (1982). *The Rules of Sociological Method*. New York: The Free Press.

- Efe, H (2012). "Uyum Yasaların Türkiyede ki İnsan Haklarının Gelişimine Katkıları". *Kafkas Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*, 3(4): 149-188.

- French, S; Teays, W & Purdy, L (2018). *Violence against Women: Philosophical Perspectives*. 2<sup>nd</sup> ed., Itacha: Cornell University Press.

- Gaillard, E (2015). "Sociology on International Arbitration". *International Arbitration Journal*, 31: 1-17.

- Henderson, E & Sabharval, N (2020). *Feminist Analysis*. The SAGE Encyclopedia.

- Jonathan, G (2009). *Is Investing in Lawsuits, for a Share of the Awards*. New York: New York Times.

- Martens, K; Niemann, D & Kaasch, A (2020). *International Organizations in Global Social Governance*. Bermen: Palgrave Macmillan Publications.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

**تقدیر و تشکر:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

**سهم نویسندگان:** نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسندگان صورت گرفته است.

**تضاد منافع:** این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، سیدنصراله (۱۳۹۶). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: انتشارات سمت.

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴(۱۴): ۶۶-۱۱۱.

- شاو، ملکم (۱۳۹۶). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. ترجمه سیده‌لطیفه حسینی و نرگس‌سادات حسینی، تهران: نشر خرسندی.

- شستاک، جروم (۱۳۷۹). *بنیان‌های فلسفی حقوق بشر*، مجموعه حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها). ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

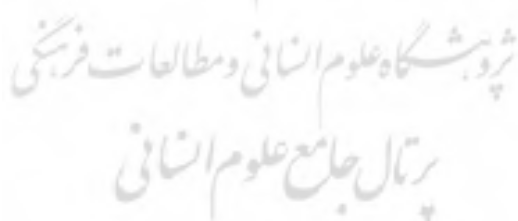
- صبوری، ضیال‌الدین؛ نصیرپور، ساناز و حمیدیان شورمستی، مرضیه (۱۳۹۱). «چالش‌های نهاد زنان ملل متحد در ایجاد صلح پایدار». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۵): ۱۶۵-۱۹۹.

- صنعتی، فریبا (۱۳۹۳). «ارزیابی و نقد پارادایم نئومارکسیستی توسعه». *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، ۸(۲): ۱۰۵-۱۲۸.

- فلسفی، هدایت‌اله (۱۳۹۵). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. تهران: فرهنگ نشر نو.

- لوی برول، هانری (۱۳۵۳). *جامعه‌شناسی حقوق*. ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Marx, K (1992). *Capital: Critique of Political Economy*. Vol.3, Middlesex: Penguin Classics, Harmondsworth.
- Modi, M; Palmer, SH & Armstrong, A (2014). "The Role of Violence against Women Act in Addressing Intimate Partner Violence: A Public Health Issue". *Journal of Women's Health*, 23(3): 253-259.
- Pinsolle, P (2011). "Le Financement de Arbitrage Par Les Tiers". *Revue de Arbitrage*, 2: 385-414.
- Rodríguez Francos, L; de los Ángeles Antuña Bellerín, M; López-Cepero Borrego, J; Javier Rodríguez Díaz, F & Bringas Molleda, C (2012). "Tolerance Towards Dating Violence in Spanish Adolescents". *Psicothema*, 24(2): 236-242.
- Roohani, A (2014). "Male and Female Social Actor Representation in Four Corners 4: A Critical Discourse Perspective". *IJRELT*, 2(2): 23-35.
- Şaşman Kaylı, D (2021). "Sosyological Dynamics of Violence against Women and Institutions in the Process of Combating Violence". *Journal of Economy Culture and Society*, 63: 68-79.
- Weber, M (1978). *Economy and Society*. Berkeley: University of California Press.





Volume 4, Issue 2, 2023

## Non-Violence against Women with an Approach to the Sociology of Structures-Behaviors and Interactions of Actors

Amirreza Mahmoudi\*<sup>1</sup>, Seyedeh Mahshid Miri Balajorshari<sup>2</sup>

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 27-38**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** 000000000000

**Email:**

amirreza.mahmodi@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 15 Feb 2023

**Revised:** 19 Mar 2023

**Accepted:** 26 Apr 2023

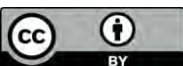
**Published online:** 22 Jun 2023

**Keywords:**

*Sociology, Prohibition of Violence against Women, Leading Actors, Service Providers, Value Producers.*

### ABSTRACT

So far, no comprehensive research has been conducted on the sociology of non-violence against women, so that the current developments in this field are far from the sociological perspective. Although the main actors (governments and international organizations) are steadfast in the fight against and prevention of violence against women, the process of preventing violence against women involves a very large number of domestic and international actors, large and small. There are countless providers domestically and internationally, including credible and passive actors who distribute and promote legitimacy in the areas of prevention, prevention and reduction of violence against women. Actors of value producers who are active in the field of development of non-violence against women, both domestically and internationally, with their guidance measures pave the way for the development and implementation of sustainable measures to reduce violence against women. There are also social actors in the field of violence against women who, with their consistent behaviors, apply the necessary formalities in the field of prevention and prevention of violence against women. As a result, it is clear that the actors in the field of non-violence against women, in any quality and in any quantity, have a degree of influence in this field and should not be considered insignificant due to being internal, non-governmental, etc. In this research, with a theoretical approach and a descriptive method, we seek to study and classify social actors in the field of non-violence against women.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Mahmoudi, A & Miri Balajorshari, SM (2023). "Non-Violence against Women with an Approach to the Sociology of Structures-Behaviors and Interactions of Actors". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(2): 27-38.